

بررسی وضع موجود جنگ،

وآینده آن



کشورها برای ملتش باشد ولی با این سیاست غلط ماجراجویانه حزب بعث و اینکه آلت دست اهداف استعمار گرانه جهان استکبار قرار گرفته و طیف حاکمیت باند میشل عفلق بر آنجا گسترده شده که اینان از پایه و اساس، عوامل ساخته شده استعمار هستند، می توان فهمید که عراق چه وضع دشواری را می گذراند.

وضعیت نظامی عراق

۱- در شمال عراق، کردستان واقع است که می توان گفت: رژیم عراق، چندان حاکمیتی در آن بخش وسیع ندارد مگر در جاذبه ها و اطراف پادگانها و در هر نقطه ای که یک واحد نظامی مستقر کرده است، ضمن اینکه در مسیر، همیشه مورد تعرض مخالفان قرار گرفته و می گیرد. حتی راه های حیاتی که به ترکیه دارد یعنی لوله های نفت، از همان جاذبه ها عبور می کند و رژیم ناچار است قدم به قدم، با نیروهای نظامی آن راه ها را حفظ و کنترل کند، که در هر صورت حاکمیت عراق در شمال، متزلزل می نماید.

۲- در جنوب کافی است وضعیت هور الهویزه را از نظر گذرانند که در هور غرب دجله نیز چیزی شبیه آن است زیرا سربازان فراری و شیعیان مخالف حکومت، در آنجا پناه گرفته اند و در حقیقت این بخش وسیع از جنوب عراق که تقریباً به مرکز هم نزدیک است، درست در حاکمیت رژیم نیست، مگر جاذبه هائی که در هور کشیده شده است که در آنجا نیز حاکمیتش متزلزل می باشد.

۳- در جنوب شرقی عراق (از بصره تا فاو) عملاً غیر از سنگرهای نظامی چیزی به چشم نمی خورد و سراسر این منطقه در تیررس ایران است. و همانگونه که آنها آبادان و خرمشهر ما را می زنند، مانیز در طول اروند رود می توانیم ضربه هائی مهلک بر آنها وارد سازیم.

پنج سال از جنگ تحمیلی می گذرد و با فرارسیدن هفته جنگ، وارد ششمین سال آن می شویم. از این روی سزاوار است، دورنمایی از وضع موجود جنگ و تحلیلی از آینده آن، فهرستوار مورد بحث قرار دهیم.

به نظر می رسد عراق که حادثه افروز جنگ و مسئول آن بوده و اهداف خبیثانه ای از آن داشته، و کسانی که در جنگ پشت سر عراق بوده و به او یاری می رساندند، اکنون در شرایط بسیار دشواری قرار گرفته اند. و جمهوری اسلامی، خیلی متین و پابرجا، به همان روندی که پس از شروع تجاوز انتخاب کرد، با اطمینان و استحکام بیشتری ادامه داده و پیش می رود. و این در صورتی است که کسی منکر مشکلات، خرابی ها و مصیبت های جنگ نیست، خصوصاً برای افراد بی صبر و کم تحمل و یا آنها که به زندگی، تنها از بعد رفاهی می نگرند، ممکن است مسأله جنگ برایشان ابهامات زیادی داشته باشد و برخی نیز خشمگین باشند چرا که با ایده های انقلاب آشنا نیستند و یا نسبت به آن دشمنی می ورزند و بدون شک، جنگ به آنها نیز آسیب وارد ساخته است.

ولی آنچه ما را از نتایج جنگ خوشود می سازد و به آینده آن امیدوار، تحلیل واقع بینانه ای است که بر اساس اهداف انقلاب، ترسیم می شود.

نگرشی بر وضعیت عراق

نخست باید نظری بیافکنیم بر وضعیت موجود در عراق. به نظر من، اکنون عراق در بدترین شرایط به سر می برد. زیرا عراق کشوری است که بالقوه، استعداد بهترین و مرفه ترین زندگی را دارد، چون ذخایر نفتی آن بی کران و جمعیتش بیش از چهارده میلیون نفر نیست. و از سونئی دیگر، شرایط اقلیمی خوبی دارد: آب فراوانی در عراق موجود است از قبیل رودهای دجله و فرات و رودخانه های فراوان دیگری که از غرب کشور ما یا از جنوب و غرب ترکیه به آنجا سرازیر می شود. و در مجموع، عراق می تواند، از لحاظ امکانات رفاهی و پیشرفت، یکی از بهترین

۴ - عراق از خلیج فارس که مهمترین رگ تزریق مواد اقتصادی برای آن است و بیشترین نفت عراق از آنجا صادر می‌شده ، امروز محروم می‌باشد زیرا اسکله‌های البکر و ال‌امیه بکلی تعطیل است. و تنها از راه «نوزخرماتو» بطور خیلی دزدانه رفت و آمد می‌شود که ان شاء الله، جلوش را خواهیم گرفت.

۵ - شرق عراق تا حدود سی، چهل کیلومتری مرز، اصلاً تأمین ندارد یعنی طوری است که هیچ مؤسسه حساس صنعتی یا پروژه ساختمانی و عمرانی نمی‌تواند پانگیرد، برای اینکه هر لحظه ممکن است گلوله‌های توپ به آنجا برسد. و شما در نظر بگیرید: اگر مرز عراق را با ما ۱۲۰۰ کیلومتر حساب کنیم و در طول مرز، سی کیلومتر را نا امن به حساب بیاوریم، سی کیلومتر در هزار و دو یست کیلومتر چه مساحت وسیعی از شرق عراق را در بر می‌گیرد که نا امن است و نوعاً کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا مهاجرت کرده‌اند و یا به صورت مترازل، بدون امنیت، زندگی می‌کنند و امکان سرمایه گذاری و عمران هم، دشوار و یا محال بنظر می‌رسد.

۶ - غرب عراق، قسمتهائی که به سوریه نزدیک می‌شود، بخاطر سیاست بدی که با سوریه دارند، نا امن است و قسمت زیادی از آن هم بیابان است.

۷ - بصره که مرکز مهم صنعت و اقتصاد عراق است و هیچ وقت عراق بدون بصره نمی‌تواند زندگی کند، در وحشت واضطراب به سر می‌برد، زیرا در تیررس توپهای دور رس ما است و هر وقت آشوبی از سوی عراق پیش آید، توپهای ما تا آن طرف بصره را هدف قرار می‌دهند.

۸ - جاده استراتژیک و حیاتی بغداد- بصره که از «العماره» می‌گذرد، در خیلی از نقاط، نه تنها در تیررس توپ‌ها که در تیررس خمپاره‌های ما نیز هست. و این هم جاده‌ای نیست که عراق بتواند از آن صرف نظر کند.

• تنها جایی که برای عراق تقریباً امن است (آن هم در صورتی که آشوبی پیش نیاید) مرکز عراق است که اکنون همه چیز در آن جا متمرکز شده است.

وضعیت اقتصادی عراق

پیش از آنکه عراق جنگ را شروع کند، در حدود ۳۵ میلیارد

دلار ذخیره داشته است. وقاعدتاً این اذعا درست است زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی که صادرات ایران از ۶ میلیون بشکه نفت به یک میلیون یا یک میلیون ونیم کاهش یافت، عراق تولید خود را به سه میلیون ونیم بشکه و با قیمت زیادی، بالا برد و چون تمام پول نفت را هم نمی‌توانستند جذب بکنند لذا پول زیادی - و طبق اذعاها در حدود سی و پنج میلیارد دلار - اندوخته کردند. و اکنون بیش از چهل میلیارد دلار - غیر از کمکهای بلاعوض که گرفته است - مقروض می‌باشد. و همه می‌دانند که ذخایر ارزی عراق صفر است.

و این در شرایطی است که عراقی‌ها در همان دوره و فور ذخایر ارزی، پروژه‌های بسیار عظیمی را تصویب کردند، مانند دوران رژیم شاه در ایران، و بیشتر این پروژه‌های بلند پروازانه، مثکی به نیروها و تکنیک خارجی بوده و امکان اداره اش در خود عراق نبوده مانند سدها، راه آهن‌ها، پروژه‌های نیروگاه‌های اتمی، پل‌ها، کارخانه‌ها و صنایع و احیای اراضی و... که نمونه‌هایش در ایران هست. این پروژه‌ها تازه داشت به مرحله اجرا می‌رسید که جنگ را آغاز کردند. آنها با آغاز جنگ، ابتدائاً خیال می‌کردند بزودی جنگ تمام می‌شود و پس از اینکه عراق ژاندارم منطقه شد، باج خواهی بیشتری از همسایه‌ها می‌کند و پروژه‌ها به سرعت ادامه پیدا می‌کند. بیگانگان هم که دستشان از ایران قطع شده بود، امید زیادی به عراق بسته بودند. و امروز اکثر این پروژه‌ها یا تعطیل شده و یا نیمه تعطیل و نیمه جان است.

و آنان که در مسائل اقتصادی آگاهی دارند، می‌دانند که این پروژه‌ها چه زیانی به عراق وارد کرده است. پروژه‌ای که مهندسینش، کارشناسانش، موادش، تکنیکش و همه چیزش وابسته به بیگانگان است، اکنون تعطیل یا نیمه تعطیل بشود، زیان زیادی به کشور وارد می‌سازد زیرا از طرفی، شرکتهای خارجی حاضر نیستند، از یک ریال خود بگذرند و از طرفی دیگر طبق قرارداد هائی که بسته‌اند، اگر از طرف کارفرما تاخیری پیش بیاید، کارفرما هم باید توپم را بپردازد و هم معطل ماندن کارگاه‌ها و نیروها و هم بهره‌ها را.

در چنین شرایطی، مامی توانیم حدس بزنیم در ظرف پنج سال جنگ، این پروژه‌ها برای عراق چقدر گران تمام شده است

که با وجود سی و پنج میلیارد ذخیره ارزی، اکنون بیش از چهل میلیارد دلار بدهکار است. گرچه آنها که مجری هستند، بخاطر حفظ ظاهر و اینکه نمی‌خواهند الآن عراق شکست بخورد، این مسائل را بصورت علنی کمتر مطرح می‌کنند و تنها در جلسات سری به حل و فصل آنها می‌پردازند و به همین دلیل است که می‌بینیم قراردادها بین عراق و آلمان، عراق و هند، عراق و ژاپن، عراق و کره جنوبی و... تلاطم پیدا می‌کند. و تازه جنگ هم که تمام بشود مشکل اصلی عراق همین پروژه‌ها است.

وضعیت نیروی انسانی

نیروهای داخلی عراق عمدتاً جذب جبهه‌ها شده‌اند یعنی اجباراً به جبهه‌ها اعزام شده‌اند. در نتیجه، مسائل داخلی مانند بیکاری به وجود آمده است. مطلب دیگری که در این رابطه اهمیت دارد، این است که بسیاری از سربازهای عراقی مدت هفت سال از سربازیشان می‌گذرد و هنوز مرخص نشده‌اند، با اینکه نظام وظیفه عراق چهار ساله است و اینها با اینکه مدت خدمتشان بسر آمده، چون جبهه نیاز به افراد دارد، آنها را آزاد نمی‌کنند سربازی که هفت سال خدمت اجباری کرده است چه روحیه‌ای می‌تواند داشته باشد؟ اگر نجنکد، از پشت، او را تیر می‌زنند و اگر فرار کند، خانوادهاش را تحت فشار قرار می‌دهند و امکانات و حقوقی که به آنها داده‌اند پس می‌گیرند و لذا سربازان عراقی، روحیه حمله و تهاجم را ندارند مگر در مواردی بسیار استثنائی. از این روی، هر وقت ایران جمله‌ای می‌کند، در ابتداء عملیات، ارتش عراق شکست می‌خورد.

اکنون بسیاری از کارهای اداری داخلی، به کارکنان مصری و سودانی و... سپرده شده و کارکنان عراقی بالاچار روانه جبهه‌ها شده‌اند. حتی خانم‌ها را به عنوان پرستار یا دیگر کارهای حاشیه‌ای جنگ، به پشت جبهه‌ها اعزام کرده‌اند. و اخیراً یک قانونی گذراندند که هر خانمی فارغ التحصیل می‌شود، باید یکسال برای جنگ - به یک نحوی - خدمت کند.

وابستگی به خارج

عراق از نظر وابستگی به خارج، در بدترین شرایط به سر می‌برد. امروز عراق هم اسیر شرق است و هم اسیر غرب، هم اسیر روس‌ها است و هم اسیر آمریکائیا و هم اسیر ارتجاع عرب. و اتفاقاً وضعی را به وجود آورده که برای هریک از دو بلوک قابل

اعتماد نیست.

از لحاظ نظامی، بدون شک وابسته به شوروی است زیرا عمده اسلحه‌های عراق، روسی است و اهل نظر می‌دانند که تعویض یک سیستم نظامی - چه از نظر زمان و چه از نظر بودجه - در شرایط جنگی غیر ممکن است برای اینکه عراق ارتش وسیعی دارد که با سیستم روسی تعلیم دیده شده: سربازخانه‌ها، آموزشها، تراپری، نیروی هوایی، نیروی زمینی و خلاصه هر چه مربوط به ارتش است، متکی به روسها است و با ملاحظه اینکه اگر یک قطعه از هلیکوپتر یا هواپیما یا دستگاه‌های رادار از کار بیافتند، خود دستگاه‌ها را از کار می‌اندازد، معلوم می‌شود که یک ناز روس می‌تواند عراق را متلاشی کند.

پس اگر عراق بخواهد سیستم نظامی خود را متکی به غرب کند، باید ده‌ها میلیارد دلار پول خرج کند و چندین سال هم برای آموزش افراد لازم است، و چنین چیزی برای ارتشی که در حال جنگ است، میسر نمی‌باشد.

مسئله دیگر، وابستگی مادی عراق به ارتجاع عرب است. امروز اگر شیخ عرب کمک مالی به عراق نکنند، رژیم عراق فوراً ساقط می‌شود. اگر پولهای بی حساب ارتجاع عرب نباشد، عراق نه می‌تواند مهمات جدید وارد کند و نه می‌تواند بودجه قطعات بدکی اسلحه را بپردازد و نه حتی می‌تواند، مواد غذایی را برای کشور و ارتش تهیه کند بنابر این وابسته به همان شیخ عرب است که تادبروز با آنها سرچنگ و ناسازگاری داشت و آنها را تحت فشار قرار داده بود.

وصل کردن لوله نفت به عربستان

اکنون مدعی هستند که لوله نفت عراق، از جنوب به لوله نفت عربستان وصل شده است! این ادعا بیشتر به یک جوک سیاسی شبیه است. کشوری که وابستگی‌اش به روسها آنقدر زیاد است، چطور لوله نفت خود را به عربستان وصل می‌کند در حالی که تمام صخره‌های عربستان، آمریکائی است؟! و نه اینکه لوله نفت عراق از عربستان بگذرد بلکه آنگونه که گفته می‌شود: لوله نفت عراق به لوله نفتی عربستان وصل شده و از آنجا میانبر نفت صادر می‌شود! تازه اگر چنین چیزی حقیقت داشته باشد، سند اسارت مضاعف عراق است.

من هنوز نمی‌دانم این مسئله چقدر صحت دارد. گرچه معروف است که عربستان و کویت حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت، در طول سالیان جنگ، به نیابت از عراق می‌فروختند و پولش را عراق

برمی داشته است و به مردم چنین وانمود می کردند که این نفت ها از منطقه بی طرف است! ولی در هر صورت اگر وصل شدن لوله نفت عراق به لوله نفتی عربستان درست باشد، ضمن اینکه اسارت عراق را بیشتر کرده، عربستان نیز خود را آلوده نموده است و ما به آن لوله - گرچه در خاک عربستان باشد - به عنوان لوله جنگی می نگریم و دیگر نباید عربستان توقع داشته باشد، اگر روزی دستمان به آن لوله برسد، آن را قطع نکند.

یک شریان حیاتی عراق هم از ترکیه عبور می کند، با اینکه ترکیه عضو ناتو است. بندر دیگری که حیات عراق را ادامه می دهد، بندر عقبه در اردن آمریکائی است. عراق با چنین وابستگی که اسلحه اش از شرق و پولش از غرب و متخصصان و کارشناسانش از شرق و غرب اند و برای یک لقمه نان هم نیاز به کمکهای ارتجاع عرب دارد، آسیب پذیری این کشور را بیشتر می کند.

پس شرایط امروز عراق به ما اجازه می دهد که بیش از پیش روی خواسته هایمان پافشاری کنیم و بگوئیم: باید خسارت ما پرداخته شود، متجاوز محاکمه گردد و رانده شدگان عراقی به وطنشان باز گردند. و از همین جا سیاست جنگی ما روشن می شود.

نگرشی بر وضعیت ایران

خوب است نظری اجمالی هم به وضعیت خودمان بکنیم و ببینیم الآن در چه شرایطی نسبت به اوایل جنگ قرار داریم؟ همانگونه که در اوایل بحث گفتیم: روند زندگیمان از ابتدای انقلاب تا بحال و از اوایل جنگ تا بحال، روند تثبیت و تکامل و تحکیم بوده است و در این روند هیچ آسیب ندیده ایم.

در آن روزهایی که جنگ شروع شد، وضع سیاسی ما خیلی بد بود و اختلافات شدیدی بر ما حاکم بود لیبرالها و مخالفینی در پست ریاست جمهوری و نیابت فرماندهی کل قوا و در مجلس و بسیاری از ادارات و ارگانها حضور داشتند. و الآن تبدیل شده به سیاست یک پارچه تحکیم یافته ای که بحمدالله تمام ارگانها کارهای خود را به خوبی انجام می دهند و از این نظر مشکلی نیست.

از لحاظ امنیت داخلی، آن روزها گروهکها در کشور نیرومند بودند چه از نظر اسلحه هائی که از اوایل انقلاب تاراج کرده بودند و چه از نظر عوامل نفوذی که در متن نخست وزیری، مجلس،

دادگاه های انقلاب و حتی بیت امام داشتند و بحمدالله امروز سرکوب شده اند.

در آن روزها ما حاکمیتی در کردستان و بخش عظیمی از غرب کشور نداشتیم و در نتیجه، حاکمیت جمهوری اسلامی در سه استان کردستان، آذربایجان غربی و باختران به طور جدی نبود، و پس از شروع جنگ، دو استان خوزستان و ایلام، هم از دست ما رفت. اکنون وضع به گونه ای دیگر است: ما در تمام مرزهایمان حاکمیت داریم. کردستان در همین رای گیری اخیر جزو بهترین مناطق کشور از لحاظ تعداد آراء به طور نسبی و نظم در انتخابات بوده است. در خوزستان، بلوچستان و ترکمن صحرا که پس از انقلاب نا آرام بود، آرامش برقرار شده و مشکلاتشان حل شده است.

وضعیت اقتصادی ایران

از لحاظ اقتصادی - پس از انقلاب تا کنون - هیچگاه نفت را بیش از اندازه ای که او پک برای ما تنظیم کرده، نفروخته ایم چون سیاست ما این نیست که منابع نفتی را خالی کنیم. در اوایل انقلاب بدهی هائی بخصوص چند میلیارد دلار به آمریکا داشتیم که بدهی هایمان را پرداختیم و مطالباتمان را تا اندازه ای وصول کردیم. امروز برنامه ارزیمان بگونه ای است که در آمدیمان با مخارجمان تنظیم شده و در آن جدی که منطقی است، مصرف می کنیم.

بندرها الآن شرایط بهتری دارد زیرا بندرهای جدیدی ساخته ایم. کارخانه هایمان که در ایام اول انقلاب چندان کار نمی کردند، الآن با جدیّت و فعالیت به کارهای خود ادامه می دهند بیمارستانها که بعضی از قسمتهایش تعطیل شده بود، اکنون راه اندازی شده و کم و بیش روبرو بهتر شدن است و با برنامه ریزی که شده، می توانیم بیماراران را بپذیریم و به مشکلات مردم برسیم.

وضعیت نظامی ایران

ارتش ضربه خورده بود و روحیه اش را باخته بود، الآن یک ارتش قوی، نیرومند و مستقل است و روحیه ها در سطح بسیار بالائی قرار دارند. سپاه تازه شروع شده بود و چندان توانی نداشت و امروز به تنهائی قدرت یک ارتش را دارد. سپاه نیروهای کار آزموده دوره دیده نیرومند دارد و از طرفی دیگر امکانات زیادی

تهیه دیده است.

امروز انبارهای مهمات و زواجه های ما پر است و صنایع نظامییمان - چه آنکه مزبوط به ارتش است و چه آنکه مربوط به سپاه است. با فعالیتی بیشتر مشغول کار است. بسیج که تازه می خواست جان بگیرد، الآن بیش از سه میلیون، آموزش دیده کار آزموده دارد که با قاطعیت می توان گفت چنین نیروئی در هیچ نقطه دنیا - فعلاً - وجود ندارد.

خود کفائی در نیروهایمان به صورت چشمگیری پیشرفت کرده است. ناوگان هلیکوپتری در حال تنظیم شدن است، و آنطور که گفته می شود: پس از شوروی و آمریکا، ایران سومین قدرت هلیکوپتری دنیا از نظر تعداد و تنوع می باشد.

از لحاظ میدان جنگ، آن موقع جنگ تاپشت دزفول و اهواز و آن طرف رود کارون کشیده شده بود و حتی بندر ماهشهر و وضعیت خطرناکی را داشت و اما امروز به فضل خداوند و همکاری عزیزانمان در سپاه، ارتش و بسیج، جنگ را به خاک عراق کشانده ایم که در شمال، حدود چهل کیلومتر در داخل عراق می جنگیم و در جنوب بیست کیلومتر در هور جلورفته ایم و جزایر مجنون که الآن بدست ما است، در وسط خاک عراق است و نزدیک دجله می باشد.

در آن موقع، عراق هر گلوله ای را که پرتاب می کرد به یکی از شهرهای ما می خورد، و اکنون برعکس شده است یعنی هر گلوله ای را که مامی رژیم به یک نقطه از عراق می خورد. آن وقت عراق در شرایطی بود که به شهرهای ما موشک پرتاب می کرد و ما نمی توانستیم جوابی دندان شکن به آن بدهیم و اما امروز ما می توانیم مرکز بغداد را هدف قرار دهیم و نشانه بگیریم. ما همانگونه که ثابت کرده ایم، قدرت موشکی ایران عملاً قابل توجه است و همسایه های ما باید روی این قدرت حساب باز کنند.

استقامت تنها راه مقابله با دشمن

و امروز گرچه می بینیم، عراق پشتش به کوه است و قدرتهای بزرگ او را حمایت می کنند و کشورهای عمده قدرتمند مایل نیستند عراق شکست بخورد و تا مایوس نشده اند، به حمایتشان ادامه می دهند ولی ما باید عملاً آنها را مایوس و ناامید کنیم و هیچ چیز غیر از استقامت، دشمن ما را مایوس نمی کند.

من وقتی تاریخ جنگهای ویتنام را می خواندم، به مذاکرات سران آمریکا که برنخورد می کردم، می دیدم تنها نقطه ای که

روحیه آنها را تضعیف می کرد و مورد محاسبه آنان قرار می گرفت، مقاومت و یتنامی ها بود و وقتی به این نتیجه می رسیدند که ویتنامی ها تا آخر می جنگند، برای آمریکائی ها بن بست تلقی می شد.

بنابراین، عنصر مهم در پیروزی ها، مقاومت و پایداری است. ولذا هر وقت مقاومتها بشکند و روحیه ها ضعیف شود، دشمن امیدوار می شود و تهاجم خود را بیشتر می کند. و از این روی، بوی سازش، عقب نشینی و شکست مقاومت، نیرو به دشمن می بخشد و به ارتشش روحیه می دهد. پس مایاید با سازش و عقب نشینی یا صلح تحمیلی با قاطعیت هر چه تمام تر مخالفت کنیم تا به پیروزی دست یابیم.

البته ما مخالف جنگ و ویرانیهای آن هستیم و از این صحنه های کشتار، تنفر و انزجار داریم ولی در عین حال، شکست و ذلت را بمراتب بدتر و قبیح تر از صحنه های نفرت زای جنگ می دانیم.

ما به چه قیمت جنگ را خاتمه دهیم؟ آیا روا است آن همه فداکاری ها، اینارها، جان بازیها و خونهای شهیدانمان را نادیده بگیریم؟ آیا بجا است آینده را نادیده بگیریم و تسلیم خطر مهم مسابقات تسلیحاتی بشویم؟ و وجود حزب بعث را که از سوی استعمارگران در منطقه کاشته شده و بدترین و پلیدترین عناصر را برای جلوگیری از وحدت و یکپارچگی مردم و همکاری کشورهای منطقه و متحد شدن مسلمانان، ایجاد کرده اند، نادیده بگیریم؟ ما که خواهان جنگ نبودیم بلکه صدام بود که این جنگ خانمانسوز را بر ما و ملت خودش تحمیل کرد، اکنون که در اثر فداکارها و مقاومت های بی نظیر ملت شرفمان، پاپای خود در دام افتاده و ملت ما کار جنگ را به این مرحله سر نوشت ساز رسانده آیا بجا است که نمره این جهاد و این همه ایثار را از بین ببریم و به دستاوردهای جنگ و فداکاریهای مردم و قدرت این دین و منافع این مملکت، خیانت نمائیم؟! **!**

ماجراجوئی های عراق

امروز عراق آسیب پذیر است و با این روحیه ای که سر بازاتش دارد، امکان یک حمله موفق و گسترده ای برای آن در میدان نبرد نمانده است لذا دست به ماجراجوئی ها می زند.

یکی از ماجراجوئیهای عراق، موشک زدن به شهرها و یا بمبارانهای کور از سطحهای بسیار بالا توسط هواپیماها است. به این مناسبت لازم است مطلبی تذکر دهیم:

اخیراً یک نوع توپهائی را تهیه کرده ایم که اگر شهرزنی دوباره شروع شود، این توپهائی مانعاً دورتری را نسبت به گذشته می تواند هدف قرار دهد و در حالی که بُرد آنها بیش از چهل کیلومتر است، قدرت تخریبی زیادی هم دارد. البته در گذشته هم توپهائی ۱۷۵ داشتیم ولی زیاد نبود، اما امروز بحثه و فواید داریم و در مناطق زیادی می توانیم آنها را مورد استفاد قرار دهیم.

اکنون موشکهای نیز داریم که تقریباً همین مسافت را می تواند بکوبد و خیلی دقیق هم هست، و این موشکها ساخت خودمان است و در عملیات اخیر نیز به کار گرفته بودیم.

از لحاظ قدرت موشکی دور برد هم وضع ما بحمدالله خوب است. ما برای مدت خیلی طولانی می توانیم بغداد را از جمعیت خالی کنیم و شهرهای دورتر از بغداد را تا موصل هدف قرار دهیم. امروز تمام شهرهای عراق - تقریباً - از ناصریه تا بغداد گرفته و از بغداد تا موصل که دورترین نقطه نسبت به ایران است، در هدف توپهائی ما قرار دارند و اگر عراق باز هم دست به ماجراجویی بزند، قدرت موشکی و توپخانه ما جلوی شهرزنی را خواهد گرفت.

حمله به خارک

گرچه عراقی ها از روز اول، روی حمله به خارک تکیه می کردند، ولی هیچ وقت به صورت متمرکز مانند این بار وارد عمل نشده بودند. بنظر می رسد که مسئله را با شیوخ عرب و با حامیانشان در میان گذاشته اند و بین خودشان به تفاهم رسیده اند که خارک را مورد حمله جدی قرار دهند.

عراق در این مدت کوتاه بیش از ده بار به خارک حمله کرده است و ما هم که دیدیم آنها جدی هستند، دفاع جزیره را تقویت کردیم به نحوی که زدن جزیره از پائین تقریباً مجال است. مگر اینکه غفلت یا خیانتی بشود. و لذا آنها با همان شیوه ای که در تهران به کار بردند، از بالا بمب کور می اندازند و این رویه در خارک چندان مؤثر نیست زیرا خارک مثل تهران نیست که پانصد کیلومتر زیر ساختمان باشد. آنجا یک نقاط ساختمانی کوچکی وجود دارد و بقیه آب است و کویر و چون شانس به هدف خوردن بسیار ضعیف است، از این روی، عملیات هوائی گرانقیمت مقرون به صرفه نیست ولی ممکن است صدام دیوانگی کند و دنبال این ماجراجویی باشد. در آن صورت قدرت مقابله به مثل ما خیلی زیاد خواهد شد برای اینکه خلیج فارس جانی است که در آن

دست ما از هر میدانی باز تراست، و به خوبی می توانیم از کسانی که با عراق در این طرح پلید توافق کرده اند انتقام بگیریم، البته این انتقام باز هم به قصد کوبیدن عراق است. امروز عراق - به صورت غیر مستقیم - بیشترین استفاده را از خلیج فارس می کند، کشورهای نفت خیز منطقه بخصوص عربستان و کویت، بخش مهمی از امکانات و پولها و حتی مواد غذایی خود را به عراق اختصاص می دهند و با ساده ترین محاسبه، همه می پذیرند که اگر ما بخواهیم از خلیج فارس محروم شویم، عراق هم باید محروم شود. و چون لازمه محروم شدن عراق، محروم کردن واسطه ها است، پس باید از اول دست واسطه ها را از خلیج فارس کوتاه کرد و این کار برای ما واقعاً عملی و امکان پذیر است.

همانگونه که گفتیم امکان موفقیت عراق در این مورد خیلی زیاد نیست ولی در صورتی که موفق شود و ما نتوانیم نفت خود را صادر کنیم، در آن موقع خلیج فارس برای ما چیزی معنایی خواهد شد و لذا وضع فوق العاده اعلام می کنیم و زندگی اقتصادی را از روال طبیعی اش بیرون می آوریم و مقدار زیادی از نیروهای ما - خواه ناخواه - به جبهه روی می آورند و در آن موقع ممکن است نیروهای ما از کردستان به طرف لوله های نفتی عراق راه بیافتند زیرا عراق در شمال چندان حفاظتی ندارد و آن سد مهمی که جلوی ما بود، در عملیات قادر شکسته شد و الآن راه جلوی ما باز است گرچه نسبتاً طولانی است.

ممکن است نیروی عظیم دیگری را به طرف لوله هائی که به ترکیه می رود و نزدیک سوریه است گسیل کنیم. و در جنوب هم نخواهیم گذاشت که عراقیها نفت خود را به آسانی از طریق عربستان صادر کنند و در آن صورت لوله نفت عربستان که برای عراق نفت صادر می کند، لوله عراق برای ما تلقی می شود و تلاش خواهیم کرد که نفت از آن لوله بیرون نرود.

اگر چنان وضعیتی پیش آید ما نمی توانیم مانند این روزها با صبر و حوصله جنگ را اداره کنیم بلکه باید جنگ را یکطرفه کنیم و کارش را تمام نمائیم و بحمدالله امکانات، مهمات، اسلحه و نیروهای آموزش دیده آماده داریم و با یک بسیج گسترده، به جنگ خاتمه می دهیم. البته آن دوران فوق العاده واضطراری، ضربه هائی اقتصادی بر کشور وارد خواهد کرد ولی

بقیه در صفحه ۶۶

ومتانت و وقار و امانت و صداقت او توجه دوست و دشمن را به آنحضرت جلب کرده بود تا آنجا که به «محمد امین» معروف گردید، و هرگاه در محفلی وارد می شد آنحضرت را بیکدیگر نشان داده و می گفتند:

امین آمد!

و همین امانت و صداقت او بود که توجه بانوی زنان آنزمان یعنی خدیجه دختر خویلد را نسبت به آنحضرت جلب کرده و درخواست ازدواج و همسری با آنحضرت را عنوان کرده بشرحی که انشاء الله تعالی در بخش آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت. و همین امانت و پاکدامنی و صداقت در گفتار بخصوص در این برهه از دوران زندگی بود که بعدها در پیشبرد رسالت آنبزرگوار و پذیرش آن از سوی نزدیکان و دیگران بسیار مؤثر بود، و دشمنانی که حاضر بودند هرگونه تهمت را به آنحضرت بزنند و جلوی تبلیغات آنبزرگوار را بگیرند اما هیچگاه نتوانستند تهمت خیانت به او زده و کوچکترین نقطه ضعفی در زندگی آنحضرت پیدا کنند...

باری این بخش را در اینجا به پایان رسانده و بخش بعدی را با عنوان ازدواج با خدیجه و پی آمدهای آن شروع خواهیم کرد. انشاء الله تعالی.

- ۱- برای اطلاع بیشتر به تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۰ و سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۳۵.
- ۲- سیره المصطفی ص ۲۸.
- ۳- به پاورقی سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۳۳ و تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۱ و اقرب الموارد مادة «فضل» و سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۵۶ مراجعه شود.
- ۴- طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۱۲۸ تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۰.
- ۵- سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۳۴.
- ۶- در مروج الذهب و البدایه و النهایه و سیره حلبیه و سیره قاضی دحلان «رحله من زبید» آمده ولی در تاریخ یعقوبی دو قول دیگر ذکر شده یکی آنکه آنمرد مردی از بنی اسد بن خزیمه بود و دیگری آنکه وی مردی از قیس بن شیبه بوده است.
- ۷- «فهر» و «قصی» که در شعر بعدی آمده نام دو تن از اجداد قریش و قبائل مکه است.
- ۸- عبدالله بن جدعان چنانچه در سیره قاضی دحلان (حاشیه سیره حلبیه ج ۱ ص ۹۹ - ۱۰۱ طمض) آمده مرد سخاوتمند و با ثروتی بوده که هر روز جمع زیادی را برای اطعام در خانه خود گرد می آورد، و دستانی هم در آنجا برای ثروتمند شدن عبدالله نقل کرده که بی شایسته به افسانه نیست والله اعلم.
- ۹- سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۳۵.
- ۱۰- سیره المصطفی ص ۵۲ و سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۵۷ و سیره قاضی دحلان - حاشیه سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۰۲.
- ۱۱- سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۳۴ سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۵۷. الصحیح من السیره ج ۱ ص ۱۰۰ سیره المصطفی ص ۵۲-۵۳.

این راه منحصر به فرد ما است و چاره‌ای جز این نداریم. باید همسایگان ما هم حساب آن روز را بکنند.

نتیجه گیری

بنابر این، به این نتیجه می‌رسیم که این جنگ تا تحقق خواسته‌هایمان باید ادامه پیدا کند و شکی نداریم که اگر جنگ را اینگونه که الآن برخی از ریاکارها، با دروغ از مشکلات موجودی که جنگ برای عده‌ای از مردم دارد، سوء استفاد می‌کنند و شعار صلح می‌دهند، اگر بخواهیم منطق اینها را اجرا کنیم، خیانتی است بزرگ به اسلام، انقلاب و ملت‌های مسلمان. و همانگونه که گفتیم اگر ما اجازه بدهیم عصری که ماهیت بسیار خطرناکی دارد مانند صدام بماند و یا حزب بعث عقلی که هدفی ندارد جز جلوگیری از متحد شدن جبهه‌های اسلامی و متشکل شدن در برابر اسرائیل و جز منع همکاری کشورهای منطقه باهم به حیات ننگین خود ادامه دهد، جامعه اسلامی از هم پاشیده و وضعیت آنان خطرناکتر خواهد شد.

اگر امروز صلح کنیم و دست از صدام برداریم، با این تبلیغاتی که دشمنان ما در دنیا کرده‌اند و ایران را خطری برای کشورهای منطقه معرفی نموده‌اند، صدام طلبکار هم خواهد شد و از کشورهای دیگر بیش از پیش باج خواهی خواهد کرد و طبعاً آنها هم در برابر حرکت‌های اسلامی، او را مسلح نگه خواهند داشت و هر روز اسلحه جدیدی به او می‌دهند و در نتیجه مسابقه تسلیحاتی پیش می‌آید.

بنابر این با توجه به اینکه صدام متکی به منابع بیشتر نفت خواهد بود زیرا کشورهای مرتجع منطقه بخاطر وحشتی که دارند، حمایت مالی خود را افزایش می‌دهند و استکبار هم به او کمک می‌کند، و از آن طرف نیروها، امکانات و هزینه‌های زیادی برای مادر بردارد و مجال کارهای عمرانی به پنج استان مرزی ما نمی‌دهد، و این درگیری‌ها و نزاع‌ها در این شرایط ادامه پیدا می‌کنند تا رادبوهای بیگانه و رسانه‌های تبلیغاتی و روزنامه‌ها و جاسوسان بین المللی بیشتر تغذیه کنند و از طریق شایعه پراکنی و دروغ پردازی و جاسوسی پول و در آمد بیشتری بدست بیاورند و ضد انقلاب نیز می‌تواند در آنجا پناهگاه داشته باشد زیرا چیزی برای آنها بهتر از این نیست که در جوار کشور مورد نظرشان، یک دشمن خونی وجود داشته باشد که از آن دشمن ارتزاق کنند، خلاصه تمام این عوامل به اضافه اسلام و منطق انسانی به ما اجازه نمی‌دهند که کوچکترین سازش با کوتاهی در امر جنگ داشته باشیم.